

# نگارها و نظرها

فرهنگستان زبان و ادب فارسی



آیتی، عبدالمحمد. استاد آیتی طیف وسیعی از ترجمه دارد؛ از تاریخ تافلسفه و جامعه‌شناسی و ادبیات امروز و کلاً همه نوع اثری در ترجمه‌هایش دیده می‌شود.

از خصوصیات آثار آیتی این است که معلوم نیست اثر بعدی‌اش در چه زمینه‌ای است. دیگر اینکه آثارش صحیح و دقیق و خواندنی است. قدر چنین مردی را باید دانست و باید نهایت احترام را به او داشت. هیچ‌گونه تردیدی در نثر فارسی‌اش نیست و نقاط غیرمتداول در نثرش دیده نمی‌شود، و چون پایه‌پای تحول ادبی معاصر حرکت کرده، ذائقه نسل امروز را خوب می‌شناسند و نثرش دچار عربی‌مآبی نشده‌است.

• دکتر غلامعلی حدادعادل، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مراسم تجلیل از عبدالمحمد آیتی، چهارشنبه، بیست‌وششم مهرماه، تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

**ادبیات تطبیقی.** ادبیات تطبیقی

از شاخه‌های نقد ادبی است که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبک‌ها، دوره‌ها، جنبش‌ها و چهره‌های ادبی و به‌طور کلی مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف می‌پردازد. ادبیات تطبیقی از ادبیات و روابط ادبی ملل مختلف و بازتاب ادبیات یک ملت در ملت‌های دیگر سخن می‌گوید. در سال‌های پایانی دهه ۱۸۲۰م ادبیات تطبیقی نخست در فرانسه پدید آمد؛ البته نه به مفهوم گسترده‌ای که امروزه به کار می‌رود. کار ادبیات تطبیقی فقط سنجش ادبیات دو ملت نیست، بلکه هدف آن بررسی پیوندهای ادبی میان ملت‌هاست. پژوهشگری که در این عرصه فعالیت می‌کند، همانند کسی است که در مرز میان دو یا چند ملت می‌نشیند و دادوستدهای ادبی فرهنگی میان آنان را ثبت و بررسی می‌کند. ادبیات تطبیقی پس از فرانسه به سوئیس، ایتالیا،

مجارستان و انگلستان راه یافت. در ۱۸۷۸م نخستین کنگره جهانی ادبیات تطبیقی به ریاست «ویکتور هوگو» و سخن‌گویی «تورگنیف» در پاریس برگزار شد.

• علی اصغر محمدخانی، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، سه‌شنبه، بیست‌و‌چهارم مردادماه، نشست ادبیات تطبیقی با یادی از دکتر جواد حدیدی، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**ادبیات نمایشی.** در دوره تمدن بین‌النهرین و ایران قدیم آثاری به وجود آمده که جنبه نمایشی داشتند و نوعی تئاتر هستند. به‌طور نمونه درخت آسوریک که از دوره پهلوی مانده، هم جنبه آموزشی، هم جنبه سرگرمی و هم جنبه‌های هنری داشته و این‌ها اجرا هم می‌شده‌است. در تمدن‌های آکادی، سومری و ایران قدیم، وضعیت دربارها به ظن قوی نشان می‌دهد که شخصیت‌های قوی می‌آمدند و این‌ها را اجرا می‌کردند. شاید بد نباشد که یک نگاه تاریخی به این‌گونه داشته باشیم تا نقایصی را

که در آموزش نسل جدید داریم - چه در دانشگاه‌ها و چه در دبیرستان‌ها و هنر کدها- جبران کرد.

• نصرالله پورجوادی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت‌وگو پیرامون راهکارهای افزایش تعامل بین اهل اندیشه، ادب و هنر و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای، چهارشنبه، دوازدهم مهرماه، مجموعه فرهنگی هنری آسمان.

### از سعدی تا آراگون. من با تفحص

و بررسی آثار دکتر حدیدی به این نتیجه رسیدم که او تنها استادی است که با مفهوم ادبیات تطبیقی به‌طور بسیار دقیق آشناست. کار بزرگ او کتاب *از سعدی تا آراگون* است. عنوان فرعی این کتاب «تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه» است. این اثر تا قرن بیستم هر نوع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ادبیات فارسی را بر ادبیات فرانسه بررسی کرده‌است. دکتر حدیدی در این کتاب اولین تأثیر را در قرن هفدهم با ترجمه گلستان سعدی آغاز کرده‌است. کتاب *از سعدی*

تا آراگون درباره تأثیر ادبیات، یعنی سنت ادبیات تطبیقی، در مهد پیدایش آن، فرانسه است که مدت صدوپنجاه سال در فرانسه این شیوه متداول بود و هنوز هم با تغییراتی همان شیوه ادامه دارد.

● استاد ابوالحسن نجفی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست ادبیات تطبیقی با یادی از دکتر جواد حدیدی، سه‌شنبه، بیست‌وچهارم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

### بیرونی و رنسانس. قرار دادن

بیرونی در کنار دانشمندان رنسانس ناشی از این دیدگاه در تاریخ‌نویسی علم است که می‌خواهد دانشمندان ما را از سطح واقعی‌شان تنزل داده و علمای غرب را ملاک سنجش ارزش شخصیت‌های علمی و فرهنگی ما قرار دهد.

هیچ‌یک از دانشمندان عصر رنسانس جامعیت بیرونی را نداشته‌اند و حتی در مقطع انقلاب علمی هم وجود ندارد.

عمده آثار بیرونی ریاضی است

و در این آثار هم بخش عمده‌ای به نجوم و متعلقات آن تخصیص می‌یابد. بیرونی از جمله ریاضی‌دانانی است که از قرن چهارم هجری به بعد شروع به دست‌اندازی به حوزه‌های طبیعی با روش ریاضی کرد. بیرونی نه آغازگر این حرکت بود و نه پایان‌بخش آن.

● دکتر حسین معصومی همدانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی، دوشنبه، سیزدهم شهریورماه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

### تئوری ادبیات. انقلاب اکتبر

روسیه تحول بزرگی را ایجاد کرد. آن‌ها حتی درباره ادبیات هم از اصطلاحاتی چون «ادبیات مردمان استعمارشده» استفاده کردند. «بوریس توماشفسکی» کتابی با عنوان نظریه ادبیات در سال ۱۹۲۵م می‌نویسد که نظر مساعد «ویکتور شک洛夫سکی» و «میخائیل باختین» را هم کسب می‌کند. این کتاب حرف نوی می‌زند که آمریکایی‌ها آن را

مطرح کرده‌اند؛ اینکه «اروپامحوری» بهتر است کم‌رنگ شود و بهتر است از اروپای غربی خارج شوید و ابتدا به اروپای مرکزی و شرقی و سپس به ادبیات دنیا پردازیم. «آندره برتون» دفعتاً بعد از تأسیس حزب کمونیست فرانسه متمایل به این حزب می‌شود و یک عده روشن‌فکر هم با او همراه هستند. سورتالیسم، فرانسه را در اختیار کمونیسم فرانسوی قرار می‌دهد. در این زمان است که جریان ادبی، کاملاً سیاسی شده و جا دارد که کمی دست بخورد. درانای جنگ جهانی دوم «رنه ولک» و «آستین» تئوری ادبیات را می‌نویسند و پیشنهاد می‌کنند که ادبیات، تطبیقی نباشد، بلکه همگانی باشد؛ یعنی فقط به جنبه تأثیر و تأثر پرداخته نشود و تمامی هنرها و علوم انسانی وارد ادبیات همگانی بشود.

• دکتر تهمورث ساجدی، ادبیات تطبیقی با یاد از دکتر جواد حدیدی، سه‌شنبه، بیست‌و‌چهارم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**ترجمه ادبی.** در بهترین ترجمه‌ها حداقل بیست درصد از خصوصیات سبکی و ظرایف یک متن از بین می‌رود. در ترجمه یک کتاب از زبان دوم نیز حداقل پنجاه درصد از ویژگی‌های متن اصلی از بین می‌رود. از این رو برای ترجمه «شازده کوچولو»، تمام متن‌های انگلیسی کتاب «شازده کوچولو» را کنار گذاشتم و تنها ترجمه «محمد قاضی» و «شاملو» و دو ترجمه دیگر را مورد مطالعه قرار دادم.

مهم‌ترین شرط در ترجمه ادبی، توجه به زبان اصلی اثر است که به تفصیل در این خصوص در کتاب فرهنگ فارسی عامیانه پرداخته‌ام. مثلاً برای «فرار کردن» در زبان‌های مهجور، «گریز» و در زبان ادبی متداول «به هزیمت رفت»، در متن ادبی با موضوع شاعرانه «پا به گریز نهاد» و یا «راه گریز را پیش گرفت»، در زبان عامیانه، «جیم زد»، «قاجاق

شد»، «غزل جیم را خواند»، را می‌توان برای «فرار کردن» نوشت.

• استاد ابوالحسن نجفی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست بررسی کتاب شازده کوچولو، سه‌شنبه، ششم تیرماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**ترجمه قرآن.** ترجمه قرآن استاد عبدالمحمد آیتی نقطه عطف و اوج کارنامه علمی پربزرگ و بار استاد آیتی و ترجمه‌ای مردم‌پسند از قرآن است. استاد در کمال پختگی و غنای کاری خود که تجربه و مهارت کم‌نظیری در ترجمه بسیاری از متون عربی (عمدتاً کهن) اندوخته بود دست به این ترجمه زد.

ترجمه ایشان در کمال شیوایی و دقت بود. وی ادات و تأکیدات و حروفی را که در زبان عربی فراوان است و مابه‌ازای فارسی ندارد با اجتهاد کامل ترجمه کرد.

• استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مراسم تجلیل از عبدالمحمد آیتی، چهارشنبه، بیست‌وششم مهرماه، تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

**تقلید.** تقلید برای ابتدای کار نویسندگان تازه کار مفید است، ولی این روند نباید ادامه داشته باشد.

تقلید برای نویسندگان همانند نردبانی است که دارای دوسه پله می‌باشد و بقیه پله‌ها را نویسنده باید خود بسازد.

اگر نویسنده‌ای بخواهد همواره از نویسندگان قبلی تقلید کند همانند ایستادن در پله سوم این نردبان است که وی را به هیچ جایگاهی نمی‌رساند.

هر نویسنده باید با ذهنیت خود بنویسد، چرا که استفاده افراطی از تکنیک‌ها و نحوه نوشتن نویسندگان بزرگ قدیمی و کنونی باعث سکون نویسنده و پسر رفت وی می‌شود.

• استاد هوشنگ مرادی کرمانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست ماهانه مرکز آفرینش‌های ادبی قلمستان اصفهان، دوشنبه، ششم شهریورماه، باغ غدیر اصفهان.

**حدیدی، جواد.** دکتر حدیدی در کتاب *از سعدی تا آراگون* تنها به





ذکر تأثیر یک شاعر ایرانی در آثار یک شاعر یا نویسنده فرانسوی اکتفا نکرده، بلکه تأثیر ادبیات فارسی را در طول چهار قرن، یعنی مهم‌ترین دوران ادبیات فرانسه، در کلیه متون منظوم و منثور بررسی کرده‌است. پایه‌گذار ادبیات تطبیقی در ایران «فاطمه سیاح» بود و کار اصلی دکتر حدیدی بررسی تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه بود.

• استاد ابوالحسن نجفی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست ادبیات تطبیقی با یادی از دکتر جواد حدیدی، سه‌شنبه، بیست و چهارم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**در برابر فلسفه.** از زمانی که فلسفه «ابن عربی» ترجمه شد عده‌ای در برابر فلسفه ایستادند و مخالفت شدیدی با آن صورت گرفت که اوج این مخالفت‌ها از سوی «غزالی» بود که صراحتاً به کفر فلاسفه فتوا داد. غزالی بیست مورد را مطرح می‌کند که همه کفر مسلم است. تکفیر هم امر ساده‌ای نیست؛ وقتی به کفر کسی

فتوا می‌دهند یعنی مهدورالدم است و غزالی صریحاً ابن‌سینا و فارابی را کافر می‌داند. مرحوم «فاضل تونی» از استاد «میرزا هاشم اشکوری» نقل می‌کرد که این متاع ما (فلسفه) نه پیش از مشروطه رونقی داشت و نه پس از مشروطه؛ پیش از مشروطه که ما را کافر و زندیق و خارج از دین می‌دانستند، بعد از مشروطه نیز که مشروطه‌خواهان دنباله‌رو تجددطلبان قرن هجدهم و نوزدهم بودند و خود را روشن فکر و منورالفکر می‌دانستند و مخالف خرافات و سنت‌های ناپسند می‌دانستند. امید این بود افرادی که دم از استدلال می‌زنند کاری کنند، اما به محض تثبیت شدن مشروطه آن را افکار پوسیده قرون وسطا شمردند؛ بنابراین، فلسفه اسلامی نه پیش از مشروطه رونق داشت و نه پس از آن. اما خوشبختانه الآن موجی آمده که جوانان ما استقبال عجیبی از فلسفه می‌کنند و فلسفه متاع رایجی شده‌است.

• دکتر محمد خوانساری، عضو

پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست «قرن هجدهم قرن فلسفه است»، سه شنبه، بیست و یکم شهریورماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**روش علم.** دایرةالمعارف نویسی یعنی اینکه علم به پایان رسیده و دیگر تغییر نمی کند. حالا باید علمی را که اصول آن مشخص شده در تمام زمینه‌ها بسط داد؛ یعنی ماهیت و ذات علم تغییر نمی کند و خود علم دیگر عوض نمی شود و حال مسئله این است که آن را در زمینه‌های دیگر بسط دهیم. در قرن هفدهم تقریباً «دکارت» علم را در روش ریاضی تمام شده فرض کرده است؛ یعنی روش مشخصه علم، ریاضیات است و تمام دانش‌های دیگر در قالب ریاضیات باید دربیایند؛ یعنی تنها کار ما این است که آن‌ها را به زبان ریاضی بیان کنیم. دکارت در قرن هفدهم این کار را با استادی بی نظیری آغاز کرد. در قرن هجدهم موضوعی که عوض شد این بود که اولویت دیگر به ریاضیات

داده نمی شد؛ البته ریاضیات انکار نمی شود. اولویت با علوم طبیعت، فیزیک و تکنیک است، حتی یک دایرةالمعارف نویسی هفده جلد قطور خود را به فنون اختصاص داده و مشخصات و اصطلاحات آن فنون را بیان کرده است.

• دکتر کریم مجتهدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نشست «قرن هجدهم قرن فلسفه است»، سه شنبه، بیست و یکم شهریورماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**رونق و تقویت زبان.** تحقیق و پژوهش در زبان و ادب فارسی در ایران، بعد از انقلاب مشروطیت شتاب بیشتری گرفت و به دنبال آن تحولی بنیادین، هم در زبان و هم در ادبیات، چه از نظر محتوا و چه از لحاظ صورت پدیدار گشت. ده‌ها اثر علمی و پژوهشی به شیوه تحقیقات غربی در زمینه زبان فارسی و نیز فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران پدید آمد که نتیجه آن رونق و تقویت زبان فارسی و افزایش





هواخواهان و فراگیرندگان آن در سراسر گیتی بود. شاهد این موضوع دربارهٔ پنج‌جلدی آزفا (آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان) تألیف این جانب است که تاکنون به حدود بیست زبان ترجمه شده و ده‌ها بار نیز به چاپ رسیده‌است.

• دکتر یدالله ثمره، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دومین کارگاه پژوهشی زبان فارسی و رایانه، سه‌شنبه، ششم تیرماه، دانشگاه تهران.

### ساختار ادبی. هر اثر ادبی در واقع

یک ساختار است و زمانی یک اثر ادبی درخور تأمل تلقی می‌شود که نتوانید در این ساختار دست‌کاری کنید. مثلاً اگر بتوانید در Plot یک داستان کوتاه دست ببرید، این خود نشان می‌دهد که داستان خوبی نبوده‌است؛ یا اگر بتوانید در فیلمی صحنه‌ای را حذف کنید بی‌آنکه به تمامیت زیباشناختی آن فیلم خدشه‌ای وارد شود، اشکالی از ابتدا در خود فیلم وجود داشته‌است.

در ادبیات اصطلاحی هست که می‌گویند «فرق شعر حافظ با دیوار چیست؟» و پاسخ می‌دهد که از یک دیوار می‌توانید یک آجر بیرون بیاورید و دیوار سر جای خود بماند، اما از شعر حافظ اگر تک‌واژه‌ای را بردارید، ولو آنکه واژه دیگری داشته‌باشید که اگر آن را بگذارید خدشه‌ای در وزن شعر وارد نشود، تمامیت زیبایی‌شناختی آن شعر حافظ قطعاً دچار نقصان خواهد شد.

• دکتر حسین پاینده، عضو شورای علمی گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت‌وگو پیرامون راهکارهای افزایش تعامل بین اهل اندیشه، ادب و هنر و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای، چهارشنبه، دوازدهم مهرماه، مجموعه فرهنگی هنری آسمان.

### شاهکارهای ادبی. ما برای سه اثر

مهم جهان اسلام و ایران تا زمانی که اروپاییان آن‌ها را کشف نکرده‌بودند، یا هیچ ارزشی قائل نبودیم یا ارزش آن‌ها بسیار اندک بود. گویی برای شناخت و کشف این آثار نیاز به ذهن

مردن بود. یکی از این آثار رباعیات خیام است که تا قرن نوزدهم به نظر می‌رسد کسی به خیام به‌عنوان یک شاعر بزرگ و بسیار بزرگ فکر نکرده‌است. تا زمانی که ترجمه «فیتز جرالده» به انگلیسی درمی‌آید و یکی از عمیق‌ترین تأثیرات را بر زبان اروپاییان و غربیان می‌نهد. هنوز هم هیچ شاعر و نویسنده ایرانی به‌اندازه خیام در ایران شهرت نداشته و تأثیرگذار نبوده‌است. دومین کتاب، مقدمه ابن‌خلدون است که به‌طور کلی در ایران ناشناخته بود، تاجایی که حتی اسم آن را هم نشنیده‌بودند و در غرب جهان اسلام، یعنی شمال آفریقا و مصر و شام هم این اثر کوچک‌ترین انعکاسی در اندیشه تاریخ‌نگاری جهان اسلام نداشته‌است. بسیاری معتقدند که این کتاب، فلسفه تاریخ و جامعه‌شناسی را بنیان‌گذاری کرده‌است. سومی هم هزارویک‌شب است. هزارویک‌شب در ایران به کلی مجهول بود. از زمانی که «گالان» هزارویک‌شب را به زبان

فرانسه ترجمه کرد، چنان تأثیر عظیمی بر ذهنیت، جهان‌بینی، ادبیات و فکر غربی گذاشته که جز کتاب مقدس هیچ کتابی چنین تأثیری نداشته‌است. این اثر، کتاب محبوب کودکان غرب بوده و در قرن نوزدهم کمتر کودکی پیدا می‌شد که هزارویک‌شب را نخوانده‌باشد. هزاران چاپ مختلف از این اثر صورت گرفت و در کنار آن هزارویک‌شب تأثیری بر شاهکارهای ادبی غرب گذاشت.

● استاد کامران فانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، هزارویک‌شب نمادی از تمدن اسلامی، سه‌شنبه، دهم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**فرهنگ ترجمه.** چند مثال می‌توان برای فرهنگ‌ساز بودن ترجمه ذکر کرد. در دوران کلاسیک در تمدن اسلامی ترجمه آثار یونانی به زبان عربی، خود باعث شد که بخش عقلانی تمدن اسلامی بر این آثار متکی باشد. تجربه نو دیگری هم در این‌باره در آلمان روی داد که



آلمانی‌ها در قرن هجدهم به ترجمه آثار نوروی آوردند. ترجمه باید غرابت خود را حفظ کند، چراکه هر مخاطب برای خودشناسی و خودسازی نیاز دارد که با امری غیر از خود، خود را بازسازی کند. ترجمه هر قدر غریب‌تر باشد و کمتر بومی شده باشد به این هدف نزدیک‌تر است. در این ترجمه‌هاست که دنیای متفاوتی را در برابر تمدنی دیگر قرار می‌دهید و اگر این دنیا کمبودهای تمدن دیگر را پوشش دهد، می‌تواند تأثیر بگذارد، اما به نظر می‌رسد که ترجمه هر قدر خودمانی‌تر و بومی‌تر شده باشد تأثیر کمتری دارد. این خطری است که در خصوص آثار فلسفی نیز دیده می‌شود.

• استاد کامران فانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، هزارویک شب نمادی از تمدن اسلامی، سه‌شنبه، دهم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**فرهنگ خودی.** یونانیت ما ایرانی است، ابراهیمیت ما هم

ایرانی است؛ یعنی عین این چیزها را نگرفته‌ایم، بلکه آن را هضم و از آن خود کرده‌ایم و این‌ها با فرهنگ ما همگون شده. چیزی را که از دست داده‌ایم، همین ویژگی است.

پیوندی که می‌زنیم آگاهانه نیست. استفاده ما از تمدن غرب ناگزیر است، ولی باید آن را ایرانی کنیم تا برایمان قابل هضم شود. شاید چند نفر نخبه‌قادر به این کار باشند، ولی مردم نمی‌توانند آن را آگاهانه هضم کنند. هنر فروغی این بود و اگر ما هم این هنر را داشته باشیم، می‌توانیم ضمن مواجهه با فرهنگ‌های دیگر، ایرانی بودن خود را حفظ کنیم.

• استاد احمد سمعی (گیلانی)، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت‌وگو پیرامون راهکارهای افزایش تعامل بین اهل اندیشه، ادب و هنر و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای، چهارشنبه، دهم آبان‌ماه، مجموعه فرهنگی هنری آسمان.

**فلسفه و ایدئولوژی.** یکی از گرفتاری‌های اهل فلسفه این است

که می‌گویند برخی از صحبت‌هایشان علمی نیست؛ یعنی تحقیق فلسفی برفوق روش‌شناسی (متدولوژی) علمی صورت نمی‌گیرد. علم، روش‌شناسی (متدولوژی) خودش را دارد و راه خودش را می‌رود و فلسفه چیز دیگری است و این علمی نیست؛ این آوازه قرن هجدهم است. البته قرن نوزدهم متفاوت می‌شود و اگر «کانت» نبود ای بسا که این غلبه چنان شدتی می‌یافت که فلسفه بیش‌ازاین مهجور می‌شد. کانت است که فلسفه را از چنگ ایدئولوژی بیرون می‌آورد. «دالامبر»، مرید «فرانسس بیکن» است. بیکن نمی‌خواست فلسفه را به دامن ایدئولوژی ببنداند، چون هنوز تصویری از ایدئولوژی نداشت. دالامبر هم هنوز با ایدئولوژی آشنا نیست و یا ایدئولوژی هنوز در نطفه است، اما دالامبر، بیکن را چنان تفسیر می‌کند که فلسفه ایدئولوژی می‌شود. ما هم اکنون بسیار قرن هجدهمی فکر می‌کنیم.

• دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم، رونمایی کتاب فلسفه و تجدد، سه‌شنبه، بیست‌ویکم شهریورماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**قرن فلسفه.** دوران رنسانس و بعد از آن، قرن هجدهم و حتی قرن نوزدهم، از دوره‌های عجیب فرهنگ انسان و از دوره‌های روشنگری بود. در قرون وسطا بشر گام‌به‌گام راه می‌رفت و حتی درجا می‌زد و رکود و جمودی وجود داشت، اما از رنسانس به بعد جهشی صورت گرفت و آن رکود به یک نوع جهش و پرش در هر زمینه‌ای تبدیل شد و این امر نه تنها در فلسفه، بلکه در کل تاریخ بشریت صورت گرفت. شاهد آن نیز اختراع دستگاه چاپ یا قطب‌نما، کشف آمریکا و کشف حرکت زمین است.

• دکتر محمد خوانساری، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشست «قرن هجدهم قرن فلسفه است»، سه‌شنبه، بیست‌ویکم شهریورماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**کورتیزان.** کسانی که در قرون سوم و چهارم به آن‌ها ظریف می‌گفتند، این‌ها ادیب بودند. قدری فلسفه می‌دانستند، شعر و موسیقی و نقد می‌دانستند و اصولاً آدم‌های باذوق و تحصیل کرده و اهل ادب و هنر و فرهنگی بودند، یا «غینات» و زنان هنرمندی که بعداً نام کورتیزان گرفتند، این‌ها تربیت‌های مختلف داشتند و کارشان صرفاً رقص یا سرگرم کردن پادشاهان و امثالهم نبود. در رشته‌های مختلف کار کرده بودند، تربیت شده بودند که بتوانند به شکل درست مجلس آرایبی کنند. در دوره‌های مختلف اگر دقت کنید، مثلاً دوره تیموری، می‌بینید که اکثر شعرا موسیقی می‌دانند و رسایلی در موسیقی نوشته‌اند، خوش خط و خطاط بوده‌اند. مثلاً «نوائی» را مشاهده می‌کنید که شاعر بوده، دیوان شعر دارد و رساله‌ای درباره موسیقی نوشته که به خط خودش است. فقط در هرات هم

نبوده، در جاهای دیگر هم وضع همین‌طور است. به هر حال در گذشته این موضوع در تربیت هنرمندان رعایت می‌شده. کسی که اهل ذوق و فرهنگ بوده، جنبه‌های مختلف ادب و هنر و فرهنگ در تربیتش دخالت داشته‌است.

• دکتر نصرالله پورجوادی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت‌وگو پیرامون راهکارهای افزایش تعامل بین اهل اندیشه، ادب و هنر و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای، چهارشنبه، دوازدهم مهرماه، مجموعه فرهنگی هنری آسمان.

**مترجمان وحی.** اگر قرآن را همچون آب، اسم جنس بدانیم که اطلاق بر قلیل و کثیر می‌شود، و سلمان فارسی را - که سوره حمد را برای ایرانیان ترجمه کرد - نخستین مترجم قرآن به‌شمار آوریم و دیگر بزرگان که دست به ترجمه این کتاب زدند، عبدالمحمد آیتی حلقه پایانی این سلسله است که در چهارده قرن سخن الهی را برای مردم ایران گزارش کردند و نیز کسانی

همچون مترجمان تفسیر طبری و میدی (صاحب کشف‌السرار) و شیخ ابوالفتوح رازی و سورآبادی و ده‌ها، بلکه صدها مانند آنان که در استوار ساختن اندیشه و عقاید مردم و روشن نگاه داشتن نور خداوندی به‌جان کوشیدند.

• دکتر مهدی محقق، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مراسم تجلیل از عبدالمحمد آیتی، چهارشنبه، بیست‌وششم مهرماه، تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

### موضوع ادبیات تطبیقی. ادبیات

تطبیقی تنها به تأثیر و تأثر نمی‌پردازد و از این محدوده فراتر می‌رود. موضوع ادبیات تطبیقی از جایی آغاز می‌شود که تاریخ ادبیات ملی بدان پایان می‌یابد. به عبارت دیگر، هر بررسی و پژوهشی که از محدوده ادبیات یک قوم واحد تجاوز کند و به‌هئته ادبیات جهانی پای گذارد، چه در زمینه موازنه ادبیات دو یا چند قوم باشد و چه درباره روابط ادبی ملل و چه اصول و موازین کلی ادبیات، از

مقوله ادبیات تطبیقی خواهد بود. بنابراین، ادبیات تطبیقی بررسی ادبیات است بیرون از محدوده کشوری خاص. همچنین از یک سو بررسی روابط ادبی کشورهای مختلف است و از دیگر سو بررسی روابط ادبیات با رشته‌های گوناگون علم و اعتقاد بشری، از جمله هنرها، علوم انسانی، علوم اجتماعی، مذهب و ایدئولوژی و حتی علوم خاصی مانند ریاضیات و هیئت و جز آن.

به عبارت دیگر، تطبیق ادبیات یک کشور با کشورهای دیگر است و تطبیق ادبیات با حوزه‌های دیگر فعالیت فکری و ذوقی بشر.

• استاد ابوالحسن نجفی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ادبیات تطبیقی با یادی از دکتر جواد حدیدی، سه‌شنبه، بیست‌وچهارم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**مولانا و شمس.** شمس بامداد روز شنبه، ۲۶ جمادی‌الآخر سال ۶۴۲ ق به قونیه آمد. ما نه از سال تولد شمس آگاهی داریم و نه از سال وفات او،



اما تاریخ ورود او را به قونیه با این دقت در دست داریم. شمس در قونیه در میان بازرگانان در خان برنج‌فروشان منزل کرده بود.

دیدار مولانا و شمس در بیرون این کاروان‌سرا اتفاق افتاد. این ملاقات چگونه بود؟ چه اتفاق افتاده؟ چه گفتند و چه شنیدند؟ جزئیات آن را دقیقاً نمی‌دانیم. گفته‌اند که ابتدای سخن از سوی شمس بود.

شمس که به قونیه آمد مأموریتی از برای خود قائل بود؛ مأموریت نجات مولانا از گرفتاری «در میان قوم ناهموار». مولانا می‌بایستی آن قدر پخته شود که بتواند شمس را دریابد.

• دکتر محمدعلی موحد، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شب مولانا، پنجشنبه، بیست‌وسوم آذرماه، تالار بتهون، خانه هنرمندان ایران.

**هزارویک شب.** هزارویک شب نمادی از تمدن اسلامی است. بعد از کتاب مقدس، مهم‌ترین کتابی که بر نویسندگان و هنرمندان تأثیر

گذاشته و به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و بحث‌های گوناگونی را برانگیخته، کتاب هزارویک شب است. در سال ۲۰۰۴ هم به مناسبت سیصدمین سال ترجمه «گالان» از هزارویک شب در کشورهای مختلفی بحث و گفت‌وگو در این باره صورت گرفت. در سال‌های گذشته کتاب‌هایی درباره هزارویک شب ترجمه شده‌است. مهم‌ترین ترجمه‌ها و چاپ‌های این اثر، پس از ترجمه گالان، ترجمه «دوهمر، هایششت» به آلمانی و ترجمه «لین و بین» به انگلیسی است. این اثر نخستین بار در زمان فتحعلی‌شاه قاجار به قلم «عبداللطیف طسوجی تبریزی»، از فضایی آذربایجان، از عربی به فارسی ترجمه شد. «محبوب» ترجمه او را بسیار ستوده و آن را از زمره شاهکارهای نثر فارسی و از بهترین نمونه‌های نثر فصیح در دوران قاجار دانسته‌است. اهمیت قصه‌های شهرزاد نه در اصالت و یکپارچگی

آن‌ها، بلکه در درهم آمیزی و سازگاری فرهنگی و تاریخی است. شیوه داستان‌پردازی و داستان‌سرایی تودرتو و قصه‌درقصه هزارویک شب تأثیر فراوانی بر ادبیات جهان گذاشته است.

• علی‌اصغر محمدخانی، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، هنرار و یک شب نمادی از تمدن اسلامی، سه‌شنبه، دهم مردادماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**همزاد سوفیسم.** فلسفه همیشه با مشکل روبه‌رو بوده است. فلسفه همزاد سوفیسم است. گمان نکنید که سوفسطاییان معاصر سقراط بودند، فلسفه از زمان سقراط تاکنون با سوفیسم همراه بوده است و این دو از هم جدا نمی‌شوند. حزب و گروه مشخص و خاصی وجود ندارد که با فلسفه مخالف باشد، بلکه فلسفه مخالف خود را با خود می‌آورد. مطلب این نیست که کسی به فلسفه توجه و اعتنایی ندارد؛ فلاسفه بعد از هنرمندان محترم‌ترین قشر همه تاریخ هستند، اما فلسفه همیشه با سوفیسم بوده و سوفیسم در برابر آن

قرار داشته است. این مخالفت و ضدیت با فلسفه، مال فلسفه و با فلسفه است. در فلسفه اختلاف نظر امری طبیعی است. فلاسفه لازم نیست که در تمام امور با هم هم‌رای باشند. همه فلاسفه وجهی می‌بینند و جلوه‌ای از وجود می‌بینند و آن صورت را بیان می‌کنند، و الا وجود که به احاطه هیچ فیلسوفی در نمی‌آید، ولی همه از وجود می‌گویند و حکایت می‌کنند.

• دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم، نشست «قرن هجدهم قرن فلسفه است»، سه‌شنبه، بیست‌ویکم شهریورماه، ساختمان مرکزی شهر کتاب.

**هنرهای ترکیبی.** در فرایند تکوین همه آثار هنری، قرابت یا شباهتی وجود دارد. شاعر، نقاش، معمار یا موسیقی‌دان وقتی دست به کار خلق اثری می‌شوند، آفرینش زیبایی در کار همه این‌ها مشترک است. پس فرایند خلق آن‌ها باید وجوه مشترکی داشته باشد.

موضوع دیگر، ترمینولوژی یا اصطلاح‌شناسی این‌هاست. در خیلی

از جاها اصطلاحات مشترک دارند. مثلاً نقاشی که بیشتر با حس باصره سروکار دارد در آن اصطلاحاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مربوط به حس ذائقه هم هست یا لامسه؛ مثل اصطلاح رنگ سرد یا رنگ گرم. شعر و رقص در اصطلاحاتی مثل ریتم مشترک هستند. باید بررسی و تحقیقی در این زمینه صورت بگیرد که هنرها در اصطلاح‌شناسی چه وجوه اشتراکی دارند و این قرابت چگونه به وجود آمده است؟

موضوع دیگر، کندوکاو بیشتر در هنرهای ترکیبی‌ای است که در آن‌ها چند هنر کاربرد پیدا می‌کند؛ مثل شعر و موسیقی در موسیقی آوازی یا معماری و سینما و کار هر یک در آن دیگری. موضوع دیگر، ارتباط این‌ها با رشته‌های دیگر است؛ مثل رابطه هنر با فلسفه، رابطه هنر با دین، رابطه هنر با اخلاق. هنرها هر چه که باشند به طور یکسان با این شئون و دیگر علوم انسانی،

مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و خصوصاً زبان‌شناسی، نسبت دارند. در هنرهایی که گفتاری هستند، به طور کلی رابطه هنر با انسان مطرح است. فکر می‌کنم اگر این مسائل را مطرح کنیم وجوه اشتراک و قرابت بین آن‌ها نمایان‌تر می‌شود و زمینه خوبی است برای اینکه مشترکات آن‌ها را پیدا کنیم.

• استاد احمد سمعی (گیلانی)، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت و گو پیرامون راهکارهای افزایش تعامل بین اهل اندیشه، ادب و هنر و گسترش مباحث میان‌رشته‌ای، چهارشنبه، دوازدهم مهرماه، مجموعه فرهنگی هنری آسمان.